

بررسی و بازخوانی انتقادی کتیبه‌های مناره فیروزآباد ترشیز (بردسکن) و تاریخ‌گذاری بنا^۱

لطف‌الله کارگری آریان^۲

محمد خزایی^۳

استاد دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس تهران

احمد صالحی کاخکی^۴

دانشیار دانشکده مرمت دانشگاه هنر اصفهان

کلیدواژگان: مناره، فیروزآباد، ترشیز، معماری، سلجوقی.

چکیده

مناره فیروزآباد واقع در روستای فیروزآباد بردسکن از جمله بناهایی است که صاحب‌نظران به آن کم پرداخته‌اند و بر سر آنچه انجام شده نیز اختلاف دارند. در هیچ کدام از متون اختصاصی این مناره کتیبه‌هایش مطالعه و بررسی نشده و در برخی از آن‌ها متن کتیبه‌ها و تاریخ‌گذاری بنا با یکدیگر متفاوت است. شاید بتوان محل قرارگیری مناره را دلیل این کم‌توجهی دانست؛ چراکه امروزه هیچ مسیری از آن روستا نمی‌گذرد. سازمان میراث فرهنگی این اثر را به شماره ۹۱ به ثبت رسانده و آن را متعلق به اواخر قرن هفتم و مضامین کتیبه‌ها را شامل آیات قرآنی، نام بانیان، و تاریخ ساخت می‌داند. در این مقاله برای رفع اختلاف‌ها و ابهامات در متن کتیبه‌ها و تاریخ‌گذاری بنا به این پرسش پاسخ داده می‌شود که متن کتیبه‌های این مناره و تاریخ ساخت آن چیست؟ بدین منظور نگارندگان داده‌های خود را از طریق مطالعات میدانی در محل مناره و بررسی‌های تطبیقی و مراجعه به منابع تکمیلی و همچنین نقد و بررسی دستاوردهای پژوهشگران این حوزه به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری کرده و به تحلیل پرداخته‌اند. با خوانش و بازسازی کامل

کتیبه‌های این بنا به روش دیجیتال و تطبیق محتوای آن با منابع تاریخی، در پایان این نتیجه به دست آمده است: «برخلاف نظر کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، مناره فیروزآباد یک مناره مستقل و مربوط به دوره حکومت سلاجقه بر ایران بوده است». این منار به دستور شخصی به نام محمد بن منصور در قرن پنجم بین سال‌های ۴۴۷ تا ۴۹۶ق، بر سر راه مواصلاتی هرات به نیشابور، در ترشیز ساخته شده است.

مقدمه

در آثار برجای‌مانده از ادوار و اعصار گوناگون در خاک ایران تنوع بسیاری در نوع بنا و کاربرد و نوع ساخت دیده می‌شود. شاید بتوان گفت که خراسان نقش بسزایی در تولد، رشد، و شکوفایی هنرها از جمله معماری داشته است. خراسان از نظر موقعیت جغرافیایی بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا بر شاهراه‌های تجاری و گذرگاهی قرار داشته و راه‌های مواصلاتی بسیاری از آن می‌گذشته که شمال، جنوب، شرق، و غرب را به یکدیگر پیوند می‌داده است. به نوعی که راه‌های ارتباطی شهرهای مختلف از جمله بلخ،

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان *واکوی کارکرد و مفاهیم، ساختار و تزیینات مناره‌های خراسان قرن پنجم تا هشتم هجری؛ نمونه‌های مورد مطالعه: مناره خسروگرد، مناره فیروزآباد، مناره کرات* که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دی‌ماه سال ۱۳۹۹ از آن دفاع شده است.

۲. دکتری هنر اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس تهران
lotfolah.arian@gmail.com

۳. نویسنده مسئول
khazaiem@modares.ac.ir
4. salehi.k.a@au.ac.ir

پرسش تحقیق

متن کتیبه‌های مناره فیروزآباد ترشیز و تاریخ ساخت آن چیست؟

سمرقند، بخارا، ری، اصفهان، و... همگی از خطه خراسان عبور داشته‌اند و دارند. عبور و مرور تجار و مسافران حکومت‌ها را بر آن می‌داشته که بر سر راه عابران کاروان‌سراها و در برخی موارد در نزدیکی آن‌ها میل‌های راهیابی و بناهایی عام‌المنفعه دیگری از این دست بسازند. در میان آثار برجای‌مانده در ملک خراسان مناره‌های بسیاری هست که هر کدام به‌تنهایی نمایانگر سند هویتی از نوع معماری، تزیینات، روش، و قدرت مستقر در آن زمان و مکان است. مناره فیروزآباد می‌تواند از جمله آن‌ها باشد. در پژوهش پیش رو نگارندگان تلاش دارند نکات مبهم‌مانده این مناره را بررسی و بازشناسی کنند. برای این منظور اطلاعات پیرامون این مناره و منطقه ترشیز به روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است؛ سپس داده‌ها به روش توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌اند. انتخاب این مناره از آن حیث حایز اهمیت است که بنا دارای تاریخ ساخت روشنی نیست و از کتیبه‌های آن خوانش‌های گوناگونی در دسترس است و در متن کتیبه‌ها و سال ساخت آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. فهم این موضوع می‌تواند به روشن شدن تاریخ ترشیز/ بست و همچنین روند تاریخی تغییر مناره‌های خراسان کمک کند. نتایج حاصل‌شده امکان تغییر دارند.

در مورد واژه منار یا مناره در فرهنگ‌های واژگان بسیاری گاه به تفصیل و گاه موجز سخن رفته که در اینجا به برخی از پرتکرارترین‌ها اشاره می‌شود. «منار یعنی جای نار و نور و به‌طور واضح‌تر آتشگاه و روشنایی‌گاه که کلمه مأذنه و برج راهنمایی نیز به آن اطلاق گردیده است.»^۵ «المنار: نشان که اندر بیابان بود؛ و المنار: ملک من ملوک الیمن.»^۶ «المناره: چراغ پایه و مناره.»^۷ «المنار: معلوم.»^۸ «روشن جای و نشان که در راه برپای کنند.»^۹ «المناره معلوم و چراغپای.»^{۱۰} «روشنی جای و جای اذان گفتن.»^{۱۱}

مناره‌ها را می‌توان بناهایی پنداشت که با الهام از برج‌های پیشین جهان ساخته شده‌اند و هر کدام می‌تواند به چند دلیل ساخته شده باشد. از جمله می‌توان به قابلیت‌های یادمانی، راهنمایی، بیان جاودانگی، بیان قدرت، و بیان‌های دینی- مذهبی اشاره کرد که با دستور فاتحان، خیرین، اصحاب قدرت، و مراجع دینی، با استفاده از هنر معماران، با گذاردن خشت بر خشت ساخته شده‌اند.

هیلن براند معتقد است که مرکز فکری ساخت مناره شام بوده است و آن را به سازوکار سیاسی دربار معاویه نسبت می‌دهد که تمایل به ابراز قدرت و تشریفات برای امور دینی و سیاسی خود داشته است.^{۱۲} اگر این پیش فرض را بپذیریم، می‌توانیم بر

۵. عباس زمانی، «منار و مناره تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، ص ۶۴

۶. المعجم، جزء ۱۳۷۳، ص ۵۲۵.

۷. همان، ص ۵۷۲.

۸. ملخص اللغات، ذیل: «مناره».

۹. منتهی الارب، ذیل: «مناره».

۱۰. ملخص اللغات، ذیل: «مناره».

۱۱. منتهی الارب، ذیل: «مناره».

روش‌ها و تنوع اشکال کار شده در آن شناسایی شود؛ باشد که ابهامات و اختلاف‌نظرها دربارهٔ زمان ساخت این اثر پایان یابد. بدین روی سؤال اصلی این پژوهش چنین است: متن کتیبه‌های این مناره و تاریخ ساخت آن چیست؟

۱. ادبیات و روش تحقیق

۱.۱. ادبیات پژوهش

دربارهٔ منار و مناره و مأذنه در پژوهش‌های هنر و معماری اسلامی سخن بسیار گفته‌اند. از این دست می‌توان به کتاب‌های حوزهٔ معماری اسلامی اشاره کرد، مانند معماری و تزیینات اسلامی نوشتهٔ درک و گرابار، دانشنامهٔ هنر و معماری ایرانی اثر صالح طباطبایی، و کتاب‌هایی از این دست؛ لیکن در اکثر این پژوهش‌ها به اشارات کوتاهی بسنده شده است. تنها تعداد کمی از محققین از جمله جاناتان بلوم، هلین براند و عباس زمانی در این حوزه به پژوهش‌های بیشتری نسبت به این سازهٔ اسلامی پرداخته‌اند؛ اما به طور خاص منارهٔ فیروزآباد بسیار اندک بررسی و مطالعه شده است.

ارنست دیتز پژوهشگر اطریشی در سال ۱۹۱۸ در کتابی با عنوان بناهای تاریخی خراسان منارهٔ فیروزآباد را به ثبت رسانده و توضیحاتی بیان کرده است. دیتز کتیبه‌های بنا را — به طور ناقص — بازخوانی کرده است.^{۱۶} سازمان میراث فرهنگی^{۱۷} این مناره را مربوط به اواخر قرن هفتم هجری می‌داند و متن کتیبه‌ها را آیات قرآنی، نام بانیان، و تاریخ ساخت بیان می‌کند.

در پژوهش دیگری خسروی به منارهٔ فیروزآباد اشارهٔ کوتاهی کرده و بر این اعتقاد است که ارتفاع مناره قبلاً ۲۵ متر بوده و اکنون ۱۸ متر است و بر خرابه‌های ترشیز قدیم (بست، طرشیت) بنا شده است.^{۱۸} او متن کتیبه‌ها و تاریخ ساخت بنا را بر اساس نظر سازمان میراث فرهنگی ایران بیان می‌کند. فرجی و اکبری در مقالهٔ خود سعی در بررسی چند منارهٔ کهن

اساس آن چنین نتیجه بگیریم که مناره، سوای اهداف پیش‌گفته، برای بیان قدرت حاکمه بر جامعه نیز ساخته می‌شود و به نحوی شکوه و جلال مناره و هر سازه‌ای از این دست نمایشی بصری از قدرت حاکمه بر آن سرزمین خواهد بود.^{۱۳} نمایشی توأمان از میزان ثروت و قدرت مهندسی و ظرافت طراحی و شناخت زیبایی در یک بنا برای بیان مفهوم کلی از واژهٔ قدرت است. از اولین مناره‌های برجای‌مانده در جهان اسلام می‌توان به منارهٔ منفرد مسجد سامرا اشاره کرد که در اواسط قرن سوم هجری ساخته شده است. این مناره شباهت بسیار زیادی به میل آتش فیروزآباد دارد و از طرف دیگر توسط برخی از مورخین یادآور زیگورات‌های سابق بین‌النهرین تلقی شده است. نظیر این مناره در مسجد ابودلف نیز ساخته شده است.^{۱۴}

با توجه به پیشینهٔ مناره‌سازی در ایران می‌توان انتظار داشت که مناره‌ها در آن به وفور یافت شود؛ لیک به دلایلی همچون بلایای طبیعی و نگهداری نامناسب از این بناها، امروزه جز نامی در کتاب‌ها دیده نمی‌شود. شاردن از مناری به نام منار ته‌برنجی در محلهٔ جوبار اصفهان نام می‌برد و می‌افزاید: «چون بعضی قسمت‌های این برج روکشی از طلای بدلی دارد، به آن برج ته‌فلزی می‌گویند»^{۱۵} که البته این مناره اکنون از بین رفته است. منارهٔ فیروزآباد از کهن‌ترین مناره‌های موجود در ایران است، که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. این مناره در ۱۵ کیلومتری بردسکن امروزی و حدود ترشیز قدیم واقع شده است. این مناره، به دلیل اهمیتش از حیث ساختمان، طراحی کتیبه‌ها، و تزیینات، و نیز فقدان مطالعهٔ دقیق در مورد آن، و همچنین خوانش‌های نادرست از کتیبه‌های موجود در آن، انتخاب و بررسی و واکاوی شده است. اهداف محققان در پژوهش پیش رو دستیابی به نام بانیان و اهداف و انگیزه‌های آنان و زمان ساخت این اثر، خوانش کتیبه‌ها، و زوایای پنهان در متن کتیبه‌ها است. همچنین تلاش می‌شود، به کمک ترسیم و بازیابی نقوش تزیینی، این مناره و

۱۲. رابرت هیلن براند، معماری اسلامی شکل، کارکرد و معنی، ص ۱۳۰.

13. J.M. Bloom, *The Minaret, Symbol of Faith & Power*, p. 31.

۱۴. زمانی، همان، ص ۶۷.

۱۵. آندره گدارو دیگران، آثار ایران، ص ۱۴۷.

۱۶. نک: E. Diez, *Churasanische Baudenkmaler*.

۱۷. سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که قبلاً تحت لوای یکی از معاونت‌های رئیس‌جمهور فعالیت می‌کرد، در تاریخ ۱۴ مردادماه سال ۱۳۹۸ و پس از طی مراحل قانونی به وزارتخانه‌ای به همین نام تبدیل شد.

۱۸. محمدرضا خسروی، تاریخ کاشمر، ص ۱۱۴.

خراسان کرده‌اند که مناره فیروزآباد یکی از آن گزینه‌هاست. نویسندگان مقاله محتوای کتیبه‌ها را متفاوت از تشخیص و بیان دیتز دانسته و در متن بدان پرداخته‌اند.^{۱۹}

«منار فیروزآباد بردسکن» یکی از معدود مقالاتی است که نگارنده‌اش به‌طور اختصاصی به این مناره پرداخته و قسمت عمده متن کتیبه‌ها را بازخوانی کرده است؛ لیکن چند کلمه از آنچه بیان داشته است با متن کتیبه مطابقت ندارد. نویسنده معتقد است این مناره از مناره‌های اولیه دوره سلجوقی است و سازنده آن شرف الملک ابوسعید محمد بن منصور بن محمد خوارزمی بوده است.^{۲۰} خوانش‌های محققان یادشده از متن کتیبه‌های مناره فیروزآباد و دستاوردهای آنان به‌طور کامل در متن این مقاله آورده و بررسی شده است.

۲.۱. روش انجام پژوهش

قسمت عمده گردآوری مطالب و یافته‌های این پژوهش با استفاده از مطالعات میدانی و بررسی‌های انجام‌شده در محل مناره صورت گرفته است. با توجه به تاریخی بودن اثر در مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، استفاده از منابع تاریخی دست اول و متأخر برای قسمت‌های تاریخی در اولویت بوده است. در این پژوهش داده‌های پیرامون مناره فیروزآباد به روش توصیفی و تحلیلی بررسی و در برخی موارد از روش مطالعه تطبیقی نیز استفاده شده است.

۲. مدخلی بر جغرافیای تاریخی ترشیز

ترشیز نامی است که تا سال ۱۳۱۳ش به کاشمر امروزی اطلاق می‌شده است. شهرستان کاشمر، تا پیش از جدایی شهرستان‌های بردسکن (در سال ۱۳۷۴ش) و خلیل‌آباد (در سال ۱۳۸۳ش) از آن، محدود به قسمتی از مناطق ترشیز کهن می‌شده و بخش اصلی و نامدار ترشیز یعنی مرکزیت ترشیز باستان و آبادی‌های مشهور کاشمر و فیروزآباد در قلمرو شهرستان بردسکن واقع بوده است. تعدد نام‌های نقل‌شده برای معرفی این مکان مطالعه

تاریخ آن را دشوار کرده است. نویسنده تاریخ کاشمر حدود ۲۵ نام را در منابع تاریخی برشمرده است، از جمله کاشمر، بُست، ترشیز، طرثیث، و سلطان‌آباد. در این میان کاشمر قدیمی‌ترین آن‌ها و نام باستانی شهر بوده است؛^{۲۱} اما در دوره اسلامی اغلب از ترشیز و بُست نام برده شده است که گاهی از حدود قهستان (کوهستان) و گاه ذیل خراسان آمده است. قهستان خود «از جمله خراسان است بر حد بیابان فارس و کرمان و در آنجا هیچ شهر نیست بدین نام و این نام ولایت است»^{۲۲}.

صاحب *حدود العالم* ترشیز و کندر — نزدیک ترشیز — را شهرک‌هایی از حدود کوهستان و نیشابور و با کشت و بذر بسیار می‌داند.^{۲۳} اصطخری در ذکر مسافت‌های شهرهای معروف خراسان، از میان جای‌های نزدیک به آن، از ترشیز نام برده است و می‌نویسد: «از نیشابور تا ترشیز چهار مرحله و از ترشیز تا کندر یک روزه راه و از نیشابور تا خسروگرد نیز چهار مرحله است»^{۲۴}. مقدسی قهستان و بست را ذیل خراسان آورده و بُست (بست) را یکی از روستاهای دوازده‌گانه نیشابور حساب کرده است و می‌نویسد: «مهم‌ترین روستاهای دوازده‌گانه است. بزرگ و دارای هفت منبر است... نام شهر آن طرثیث است که خوب آباد است و جامعی دارد که پس از جامع دمشق ثروتمندتر از آن جامعی نیست»^{۲۵}. در نسبت میان بست و ترشیز اختلاف نظر هست. این نام — بست — گاهی برای معرفی یک شهر و گاه برای یک ناحیه به کار رفته است. ابن فندق در کتاب تاریخ بیهق آمده: «بست نام شهرستانی وسیع بوده و ترشیز را هم که در پشت سبزوار واقع است بست می‌گفته‌اند»^{۲۶}. صاحب *صورة الارض* ترشیز را حومه پشت نیشابور و شهری زیبا و پربرکت ضبط کرده است.^{۲۷} در *تقویم البلدان* آمده است: «قهستان از کوره‌های خراسان و بست ناحیه‌ای است از اعمال نیشابور، پرخیروبرکت که گروهی از ادبا بدان منسوب هستند»^{۲۸}. بست یا بست ظاهراً به کل سرزمینی اطلاق می‌شده است که در ماورای اراضی نیشابور یا سبزوار واقع شده است. لسترنج ترشیز

۱۹. نک: علی فرجی و امیر اکبری، «بررسی میل، مناره‌های خراسان با تاکید بر نقش سازه‌ای و محتوای کتیبه‌های آن‌ها».

۲۰. اسماعیلی، «منار فیروزآباد بردسکن»، ص ۳.

۲۱. خسروی، همان، ص ۱۴.

۲۲. جبهانی، *اشکال العالم*، ص ۱۷۰.

۲۳. نامعلوم، *حدود العالم*، ص ۹۰.

۲۴. ابواسحق ابراهیم اصطخری، *مسالك و ممالك*، ص ۲۲۳.

۲۵. محمد بن احمد مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ص ۴۶۵.

۲۶. ابن فندق، *تاریخ بیهق*، ص ۳۲۹.

۲۷. محمد بن حوقل، *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الارض)*، ص ۱۴۸.

۲۸. ابوالفداء، *تقویم البلدان*، ص ۵۱.

۲۹. گی لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۷۹.

۳۰. ابوالحسن احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۵۹.

۳۱. مقدسی، همان، ص ۳۲۱.

۳۲. علی جعفری و همکاران، «واکوی اوضاع قهستان در قرن‌های سوم و چهارم هجری»، ص ۴۱.

۳۳. احمد رضا خضری، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، ص ۶۲.

۳۴. ابن اثیر، تاریخ کامل، جلد ۳، ص ۱۷۸؛ جوبنی، تاریخ جهانگشای جوبنی، ج ۳، ص ۷۵۷.

۳۵. لسترنج، همان، ص ۳۸۰.

ت ۱. قسمتی از یک نقشه کهن از خراسان، مأخذ:

www.wdl.org



ناحیه غالباً بر مذهب حنفی یا شافعی بودند. در نیمه اول قرن ششم هجری ترشیز محل درگیری بین اسماعیلیان و نیروهای امرای سلجوقی بود که با برتری اسماعیلیان و تسلط بیشتر بر منطقه همراه بود. سلاطین خوارزمشاهی نیز برای سرکوب اسماعیلیه کوشیدند، ولی هیچ‌یک توفیقی نیافتند و اسماعیلیه ترشیز توانست تا حمله مغول در سال ۵۱۱ هجری قدرت خود را حفظ کند^{۳۴}. در اواسط قرن هفتم هلاکوخان به دفع اسماعیلیه برخاست و سپاهیان او تعداد زیادی از قلاع اسماعیلیان را فتح کردند. با وجود این کمتر از یک قرن بعد حمدالله مستوفی ضمن اینکه ترشیز را از شهرهای عمده قهستان به حساب آورد، از چند قلعه مستحکم نام می‌برد که مسلم است از جمله قلاع اسماعیلیه بوده است. در پایان قرن هشتم ترشیز، به سبب داشتن باروی بلند، تسخیرناپذیر حساب می‌شد، اما در سال ۷۸۳ ق امیر تیمور به وسیله نقب آن را خراب و شهر را تصرف کرد و جز خرابه‌ای از آن شهر باقی نماند.^{۳۵} شاید مناره فیروزآباد از معدود بناهایی است که در این ویرانگری‌ها به آن آسیب وارد نشده و از آن روزگار به یادگار مانده است. که این امر می‌تواند، به خاطر استفاده قدرت‌های غالب از مناره، به منزله یک بنای استراتژیک باشد.

و ولایت پشت را ذیل قهستان آورده و ایالت قهستان را همان «تونوکاین» دانسته و شهرهای قائن، تون، ترشیز، بشت، زاوه، بوزجان و زام، باخرز و مالن، خوف، زیرک وه، گناباد، بجستان، طبس، و... را ایالات قهستان دانسته و نوشته است: امروز [اوایل قرن بیستم] ولایتی به نام ترشیز وجود دارد اما شهری به این نام نیست. نام کندر هنوز در نقشه دیده می‌شود و به استناد گفته اصطخری که ترشیز را در یک منزلی باختر کندر دانسته، باید محل ترشیز را در همان خرابه‌های فیروزآباد نزدیک دهکده کنونی عبدالآباد دانست.^{۳۶}

این منطقه مانند دیگر نقاط خراسان در حدود سال ۳۰ ق از سوی اعراب فتح شد.^{۳۰} قهستان در منابع اولیه اسلامی ناحیه‌ای تابع خراسان است. مسلمانان با فتح قهستان توانستند به خراسان دست یابند. آنان قهستان را «باب خراسان» نامیدند.^{۳۱} حدود سال ۵۱ هجری نزدیک به ۵۰ هزار نفر از لشکریان بصره و کوفه با گروهی از خانواده‌های خود همراه با ربیع بن حارثه در خراسان ساکن شدند که این مهاجرت بالطبع از طریق طبس بوده است و عده‌ای نیز در قهستان ساکن شدند.^{۳۲} قیام خوارج به رهبری حمزه آذرک نیز منطقه قهستان را در بر گرفت و در پی این شورش در سال ۱۷۹ ق ترشیز به دست خوارج افتاد.^{۳۳} طاهریان با جلب اعتماد خلیفه عباسی توانسته بودند بر بخش‌هایی از سرزمین ایران به ویژه خراسان حاکم شوند و عبدالله بن طاهر توانست پس از مرگ حمزه آذرک در سال ۲۱۳ ق خوارج را شکست دهد. عیاران پس از مرگ عبدالله بسیاری از مناطق محدوده سیستان و شرق و جنوب خراسان را از وجود عاملان طاهری تهی کردند و طولی نکشید که محمد بن طاهر اسیر یعقوب شد. در حمله یعقوب قهستان و قائنات باب ورود به خراسان بود. در طی چند قرن اول اسلامی گروه‌های اجتماعی و فرقه‌های مذهبی مختلف در خراسان وجود داشته است. یاقوت حموی آمدن فرقه اسماعیلیه به این نقاط را در سال ۵۳۰ هجری می‌داند. تا قبل از ظهور اسماعیلیان در ترشیز در اواخر قرن پنجم مردم این

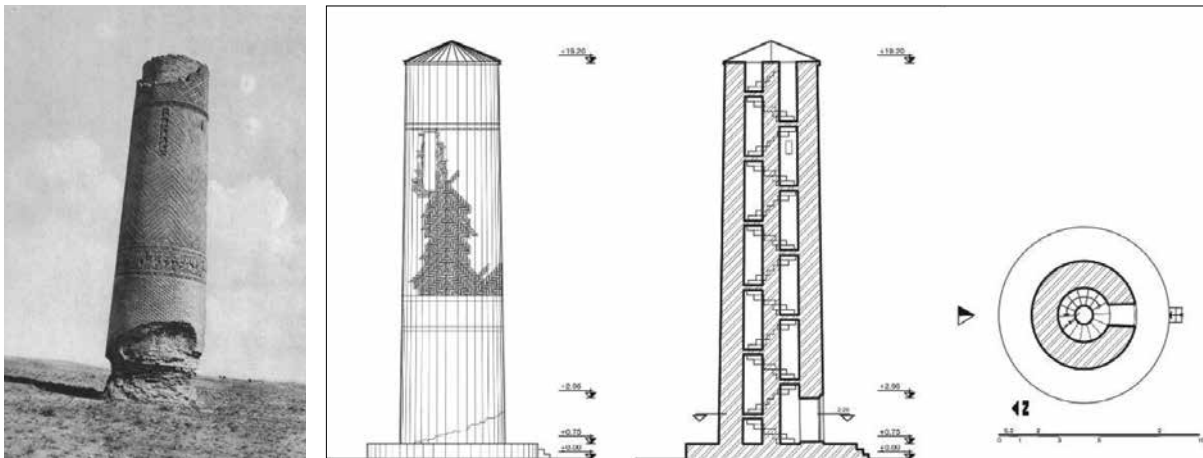
۳. بررسی مناره فیروزآباد

بر سر راه کهن هرات، طبس، ترشیز، نیشابور، و در میان خرابه‌های ترشیز قدیم که امروزه شهرهای کاشمر و بردسکن در دل آن جای گرفته‌اند و در ۱۵ کیلومتری جنوب شهر بردسکن، در بخش شهر آباد، روستایی به نام فیروزآباد وجود دارد. از شواهد محیط می‌توان پنداشت که منطقه جزو نواحی باستانی ایران به‌شمار می‌رود و خرابه‌های شهری کهن و تپه‌ای باستانی به چشم می‌خورد. این ناحیه را می‌توان بشت دانست. — بشت که معرب شده پشت است، به منطقه‌ای اطلاق می‌شده که امروزه شامل شهرهای بردسکن، خلیل‌آباد، و کاشمر است. در میان انبوه خرابه‌های برجای‌مانده از گذر سالیان، مناره‌ای استوانه‌ای / مخروطی‌شکل با بلندی حدود ۱۸ متر از دوردست هویداست (برای شناخت بهتر، موقعیت قرارگیری مناره‌های کرات، فیروزآباد، و خسروگرد در «ت ۱» مشخص شده است). سازمان میراث فرهنگی ایران مناره فیروزآباد را مربوط به دوره ایلخانی می‌داند؛ لیکن بر اساس مستندات، که در ادامه خواهد آمد، چندان دقیق به نظر نمی‌رسد و بنا بیشتر به مناره‌های دوره سلجوقی شباهت دارد؛ که صحت این امر را می‌توان در تزیینات، خط کتیبه، و نام بانیان دنبال کرد.

۳. ۱. ساختمان، و ویژگی‌های معماری مناره

با نگاهی اجمالی به مناره‌های خراسان و قومس می‌توان به یک الگوی کلی در ساخت مناره‌ها دست یافت. مناره‌هایی همچون مناره مسجد جامع سمنان (سلجوقی / آل زیار)، مناره مسجد جامع دامغان (قرن ۵ق)، مناره خسروگرد (۵۰۵ق)، مناره کرات (ح ۴۵۰ق) و میل ایز (غزنوی)، همه این مناره‌ها به نحوی بر سر راه‌های مواصلاتی ساخته شده‌اند. همه آن‌ها، به‌جز مناره کرات در بخش تحتانی، دارای یک ساختار استوانه‌ای / مخروطی‌شکل هستند و تکیه این مناره‌ها بر محور مرکزی خود و استفاده از پله‌های گردان حول محور مرکزی با استفاده از آجر و چوب، به منزله عنصر نگهدارنده، باعث حفظ و پایداری آن‌ها شده است. این مناره‌ها معمولاً دارای یک پایه یا سکو هستند و قسمت‌های تحتانی مناره‌ها یا بدون تزیینات هستند و یا تزیینات اندکی دارند. معمولاً کتیبه‌ای بر بنا نقش کرده‌اند و بعد از آن نیز گره‌های متنوع گرداگرد بنا را از آن خود می‌کنند، که با نوارهای باریکی از آجرهای تراش از هم تفکیک می‌شوند. همگی این بناها با محوریت آجر و خشت در نقش عنصر اصلی سازنده و ملات آهک و گچ و چوب ساخته شده‌اند.

مناره فیروزآباد را نیز می‌توان ذیل همین مناره‌ها جای



ت ۲. (چپ) مناره فیروزآباد، مأخذ: Diez, *Churasanische Baudenkmaler*, p. 135.
 ت ۳. (راست) پلان، نما، و مقطع مناره فیروزآباد، مأخذ: اسماعیلی، «منار فیروزآباد بردسکن»، ص ۹.

ت ۴. (راست) مناره فیروزآباد، عکس:
ل. کارگری آریان.
ت ۵. (چپ) طرح بازسازی شده
آجرکاری مناره فیروزآباد، بازرسم:
نگارندگان.



پله‌ها ریزش کرده‌اند. حدود ۱۷ پله ریخته شده در بنا قابل شمارش است. در ورودی مناره با ارتفاع ۲۲۰ سانتی‌متر و عرض یک متر بر روی سکو/ پایه و در جهت جنوب مناره قرار دارد، و از سطح سکو یک پله ارتفاع می‌گیرد. سکو از سطح زمین ۷۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و گرداگرد منار ساخته شده و آن را از گزند آب‌های



داد. مناره‌ای که امروزه ۱۸ متر بلندا دارد و بر روی یک پایه مدور سکوماند با قطری حدود ۹ متر با خشت‌های ۲۵ در ۲۵ در ۵ سانتی‌متر ساخته شده است. از شواهد کاملاً پیداست که قسمت‌هایی از مناره فرو ریخته و می‌تواند ارتفاع اولیه مناره بسیار بلندتر بوده باشد؛ چراکه ساختار استوانه‌ای/ مخروطی مناره‌های ایران در آن اجرا شده و میزان تفاوت قطر قسمت بن مناره و انتهای آن اندک است و تا دوبرابر این میزان از ارتفاع را می‌تواند پشتیبانی کند.

قطر مناره در قسمت بُن (پایین‌ترین قسمت) ۵۵۰ سانتی‌متر است که هرچه به سمت بالا می‌رود از آن کاسته می‌شود. قطر بالاترین قسمت برج‌مانده از این مناره حدود ۴۵۰ سانتی‌متر است. این نشان‌دهنده ساختار استوانه‌ای/ مخروطی مناره است و اگر قیاس کوچکی با مناره خسروگرد انجام شود، شاید بتوان ارتفاع مناره را در حالت سالم تخمین زد. مناره خسروگرد در بن ساقه قطری حدود ۵ متر دارد و در انتهای مناره پس از ۲۴ متر ارتفاع گرفتن این قطر به حدود ۲۵۰ سانتی‌متر می‌رسد که یک شیب کاهشی حدوداً ۱۰ درصدی را نشان می‌دهد که این میزان از شیب در مناره فیروزآباد نیز دیده می‌شود — حدود ۷٪ — . اگر بتوانیم بر این نظر استوار باشیم، شاید بتوان گفت که مناره فیروزآباد با قطر بن ۵۵۰ سانتی‌متر می‌توانسته ارتفاعی در حدود ۳۰ متر داشته باشد. این قضیه در مناره کرات نیز قابل مشاهده است؛ در مناره کرات قطر انتهایی مناره حدود ۲۰۰ سانتی‌متر است و ضخامت دیواره/ جداره بیرونی آن در ارتفاع ۲۵ متری تنها ۴۰ سانتی‌متر است. مناره فیروزآباد از درون متکی بر یک ستون مرکزی به قطر حدود ۸۰ سانتی‌متر در بن است. پله‌های مناره، که امروزه ۴۵ عدد از آن‌ها بر جای مانده است، با ارتفاع ۲۵ سانتی‌متر و کف ۲۵ سانتی‌متر و عرض ۸۵ سانتی‌متر حول این هسته در چرخش رو به بالا در حرکت هستند و هسته مناره را با چوب به بدنه مناره، که دارای ضخامتی حدود یک متر است، متصل می‌کند. درون مناره تا قسمتی دارای پله است و در ادامه

بعد از آجرکاری ساده (ت ۵) که حدود یک پنجم طول امروزی مناره صرف آن شده است، یک نوار آجر تراش به ضخامت دو رج کار شده است (ت ۶). آجر تراش‌های این نوار شامل یک تراش از آجر کامل و یک تراش از آجر نیمه است که به صورت تراش قاشقی در فضای منحنی در آجر و در کنار یکدیگر اجرا شده‌اند. از این نوع تراش‌ها در مناره خسروگرد (۵۰۵ق) و در میل ایاز (غزنوی) استفاده شده است. اگر با دقت بیشتری بر این تراش‌ها بنگریم، آجر تراش‌های مناره فیروزآباد را می‌توانیم تلفیقی از آجر تراش‌های میل ایاز و مناره خسروگرد تصور کنیم (ت ۷). ردیف‌های آجر تراش در این مناره، مانند اغلب مناره‌های کتیبه‌دار، به نحوی سبب تزیین کتیبه شده‌اند. در این مناره تزیینات با آجر تراش بسیار کم به چشم می‌خورند و حتی می‌توان تنها نقش جداکننده را برای آن‌ها قائل شد. بر روی نوار باریک آجر تراش‌ها یک ردیف آجر ساده کار شده و بر روی آن کتیبه مناره به ارتفاع حدود ۱ متر، که شامل دستور ساخت آن و به خط کوفی است، با آجرهای تراش خورده دورتادور مناره پیچیده شده است. بر روی کتیبه بنا یک رج آجر ساده کار شده است و بعد مانند رج زیرین کتیبه، مجدد بندی از آجرهای تراش خورده اجرا شده است و کتیبه را از بدنه مناره ممتاز کرده است. بعد از کتیبه هنرنمایی استادکاران در اجرای آجرهای خفته و راسته را می‌توان

سطحی محفوظ می‌دارد. این قسمت از بنا را در زمان مرمت آن به بنا الحاق کرده‌اند. این نکته را می‌توان به روشنی با توجه به تصویر ضبط شده از سوی ارنست دیتز مشاهده کرد (ت ۲). در «ت ۳» پلان، نما، و مقطع مناره فیروزآباد قابل مشاهده است.

۲.۳. تزیینات مناره فیروزآباد

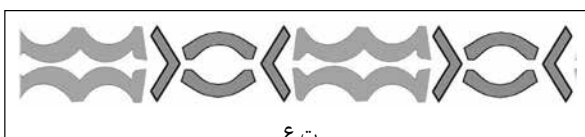
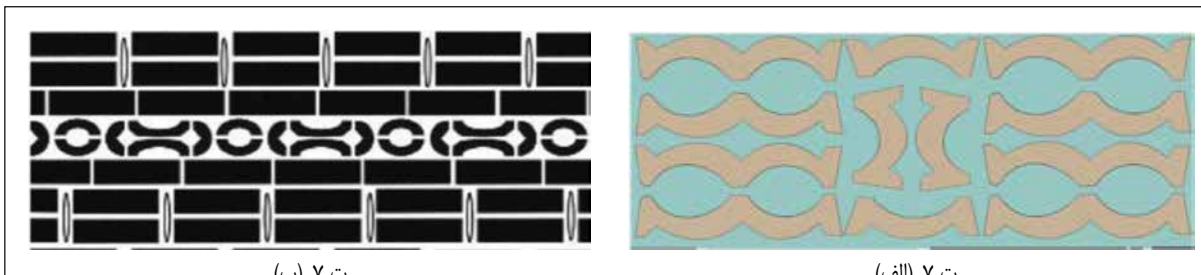
اگر بخواهیم مناره فیروزآباد را در بدنه بررسی کنیم، در ابتدا لازم است دگری در مورد سکوی این مناره داشته باشیم. آجرکاری این قسمت به طور کاملاً ساده در حدود ۶ رج کار شده است و بر روی آن‌ها در دورتادور سکو آجرها به صورت طره کار شده‌اند. سطح سکو با آجرهای خشتی آجر فرش شده است. مناره در بن با قطر ۵/۵ متر ساخته شده و تا ارتفاع ۴۵۰ سانتی متری به صورت ساده آجر در آن کار شده است. قسمت‌های ابتدایی بنا قبلاً آسیب دیده و بازسازی شده است — آجرکاری این قسمت از بدنه مناره در حدود ۲ سانتی متر بیرون زده و به نحو نامطلوبی مرمت شده است — تنها تفاوت آجرکاری این قسمت مناره با سکوی آن ایجاد بندهای ضخیم در بین آجرهاست که کمی عمیق بندکشی شده‌اند و ایجاد نور و سایه می‌کنند. در ورودی مناره در همین بخش از بنا و در جهت جنوب آن تعبیه شده که امروزه با کیفیت نامطلوبی بازسازی شده است (ت ۴).

ت ۶ (پایین، چپ) آجر تراش مناره فیروزآباد، بازرسیم: نگارندگان.

ت ۷ (بالا، چپ و راست)

الف. آجر تراش‌های مناره ایاز، بازرسیم: موسی تبار و کاخکی، «بازنگری پلان و تزیینات مقبره ارسلان جاذب و میل ایاز در دوره غزنوی»، ص ۲۰؛ ب. آجر تراش‌های مناره خسروگرد، بازرسیم: نگارندگان.

ت ۸ (پایین، راست) نوار آجر تراش، بازرسیم: نگارندگان.



در آخرین بخش از قسمت‌های برجای‌مانده مناره فیروزآباد طرحی درهم‌تنیده از آجرهای خفته و راسته اجرا شده است. با توجه به اینکه در اغلب بناهایی از این دست برای تزیین بنا از اسمای متبرکه استفاده می‌شود، در خوانش این کلمات باید با احتیاط برخورد کرد؛ لیکن چنین به نظر می‌رسد که طرح به گونه‌ای طراحی و اجرا شده است که می‌تواند نشان‌دهنده «عمید» باشد (ت ۹ و ۱۰). گره اجرا شده، که بسیاری از آن بازسازی شده است، آخرین قسمت باقی‌مانده از مناره فیروزآباد است و می‌تواند کلیدی برای گشودن معمای بانی ساخت این اثر باشد که بدان خواهیم پرداخت. در این بنا، با توجه به ویران شدن و از بین رفتن بخشی از مناره، برای حفظ آنچه بر جای مانده و جلوگیری از نفوذ آب به درون مناره، یک سقف حلبی با مرمتی ارزشمند بر روی آن تعبیه شده است. بی‌شک این مناره ارتفاعی بلندتر از آنچه اکنون به جای مانده داشته است.

۳.۳. خوانش و بررسی کتیبه‌های مناره فیروزآباد

کتیبه اول مناره فیروزآباد در ارتفاع ۵ متری از سطح سکوی آن با یک ردیف آجر تراش در زیر و روی آن و به ارتفاع ۱۰۰ سانتی‌متر با استفاده از آجر تراش خورده اجرا شده است. می‌توان کوفی استفاده‌شده در این کتیبه را مشجر نامید. سازمان میراث فرهنگی این اثر را به شماره ۹۱ به ثبت رسانده و آن را متعلق به اواخر قرن هفتم می‌داند و مضامین کتیبه‌ها را آیات قرآنی، نام بانیان، و تاریخ ساخت می‌داند. متن این کتیبه را ارنست دیتز در کتاب *بناهای تاریخی خراسان* چنین نقل کرده است:
بسم الله امر ببناء هذا المنار... الشيخ علی المختار السيد عمید الحضرة ابو سعد محمد بن منصور تقبل الله ع (..ه) ۳۷..... ال شیخ الفقیه ابی سعید علی بن الحسن^{۳۸}.

همچنین علی فرخی و امیر اکبری متن کتیبه مناره را چنین بیان می‌کنند: «...بسم الله الرحمن الرحیم. شهد الله انه اله الا هو.

مشاهده کرد (ت ۵) که در آن شکل‌هایی همچون مثلث را تداعی می‌کند و فرم پلکانی در پیش گرفته شده است. از این مدل آجرکاری را می‌توان در مناره خسروگرد سبزوار مربوط به سال ۵۰۵ هـ و دوره سلجوقی مشاهده کرد؛ همچنین از این نوع آجرکاری در درون مقبره ارسلان جاذب مربوط به دوره غزنوی در سنگ بست استفاده شده است. این شکل خود نشانه‌ای از تداوم اجرای نقوش آجرکاری در طول ادوار است. در ادامه این نقوش «شکل ۷»، آجرکاران نقشی از «لا» را به اجرا در آورده‌اند، نقوش در بین اشکال هندسی تداعیگر فرم‌های لوزی هستند و در درون با استفاده از آجرهای خفته و راسته فرم‌های پلکانی ایجاد کرده‌اند. در منظری دیگر این نقوش را بیانی از «کلمه لا» در زبان عربی می‌دانند که در فرهنگ و آیین اسلامی گویای مضامین دینی و عرفانی است که از بارزترین آن‌ها نفی خویشتن در مقابل واحد است^{۳۶}. از نقش لا در مناره خسروگرد نیز استفاده شده است. در همین قسمت از بنا و در بین ازدحام نقوش، معمار مناره نام خود را در کتیبه‌ای به شکل عمودی در ابعاد کوچک (۴۰ سانتی‌متر عرض و حدود ۱ متر ارتفاع) اجرا کرده است. در ادامه دو ردیف آجر تراش به صورت نواری باریک نقوش آجرکاری را از هم جدا می‌کند. آجر تراش‌های این نوار اجرای متمایزی از نوار اول آجر تراش‌های این مناره است (ت ۸).

معمارن و سازندگان بنا از آجر تراش‌ها ترکیب دیگری ساخته و اجرا کرده‌اند. درواقع با یک نوع تراش چند مدل آجرکاری را اجرا کرده‌اند. از این دست کارها در اغلب مناره‌های سلجوقی قابل‌رویت است. نزدیک‌ترین آن‌ها به مناره فیروزآباد مناره خسروگرد است. در مناره خسروگرد از یک نوع تراش در ساخت چندین شکل استفاده شده است. با مقایسه این نوار از آجرهای تراشیده با دیگر مناره‌های خراسان می‌توان این مدل را، غیر از خسروگرد، در مناره ایاز نیز مشاهده کرد که این امر خود بیانگر ادامه‌دار بودن استفاده از نقوش در اجرای مناره‌ها و آجرکاری‌های یک دوره از تاریخ ایران و خراسان است.

۳۶. محمد خزایی، «تأویل عرفانی نقش لا در فرهنگ و هنر اسلامی ایران و عثمانی».
۳۷. ع. (ه): ناخوانا.

38. Diez, *ibid*, p. 51.

۳۹. علی فرجی و امیر اکبری، همان، ص ۱۱۹.

۴۰. احمد حسینی، *تاریخ بردسکن*، ص ۲۰۱.

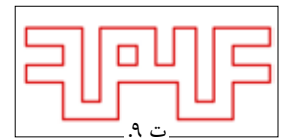
۴۱. اسماعیلی، همان، ص ۷۱.

42. S. Blair, *The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana*, p. 203.

۴۳. شیلا بلر، نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین، ص ۲۰.

ت ۹. (بالا، راست) کلمه عمید، طرح بازسازی شده آجرچینی مناره فیروزآباد، بازرسیم: نگارندگان.
ت ۱۰. ترکیبی از کلمه عمید، طرح بازسازی شده آجرچینی مناره فیروزآباد، بازرسیم: نگارندگان.
ت ۱۱.

الف. کتیبه مناره فیروزآباد؛
ب. متن کتیبه مناره فیروزآباد، بازرسیم: نگارندگان.



ت ۹.

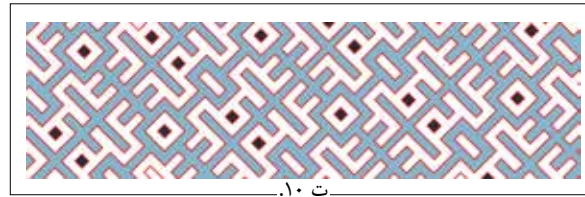
اشهدان محمد صلی الله علیه و آله». ۳۶ احمد حسینی نویسنده کتاب تاریخ بردسکن هم‌نظر با سازمان میراث فرهنگی ایران، متن کتیبه‌ها را آیات قرآنی، نام بانیان، و تاریخ ساخت اثر می‌داند و متنی را با عنوان متن کتیبه‌ها ارائه نمی‌دهد. ۴۰ مژگان اسماعیلی در مقاله خود متن کتیبه را چنین آورده است:

بسم الله امر ببناء هذه المنارة... الشيخ عميد الحضرة ابو سعد محمد بن منصور تقبل الله عمل بیدی الشيخ الفقيه ابی سعید علی بن الحسین. ۴۱

پژوهشگران مقاله حاضر با بررسی‌های خود متن کامل کتیبه را چنین می‌دانند:

بسم الله امر ببناء هذه المنارة الشيخ علی المختار السید عمید الحضرة ابو سعد محمد بن منصور تقبل الله منه بسعی الشيخ الفقيه ابی سعید علی بن الحسین (ت ۱۱ و ۱۲).

مناره‌ها اغلب دارای یک بانی هستند، ولی مناره فیروزآباد راه چنان که از متن کتیبه پیداست، ۲ نفر با عنوان بانی پی‌ریزی کرده‌اند. یک نفر که می‌تواند از حاکمان محلی بوده باشد فرمان به ساخت داده و دیگری آن را ساخته است و احتمالاً هزینه‌های ساخت را شیخ الفقيه ابی سعید علی بن الحسین پرداخته است.



ت ۱۰.

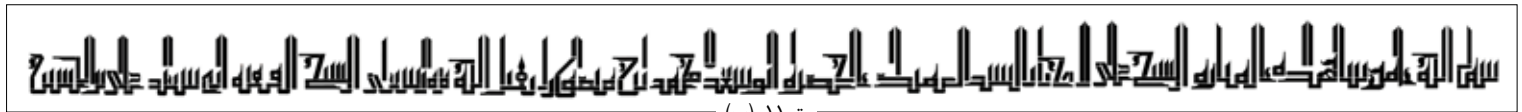
احتمال دیگر این است که هزینه ساخت و دستور ساخت مناره را ابو سعد محمد بن منصور داده و ابی سعید علی بن حسین تنها واسطه اجرای آن بوده است. بر این گمان می‌توان استوارتر بود؛ چراکه در انتهای نام محمد بن منصور کلمه «تقبل الله» (خدا از او بپذیرد) آورده شده است و بعد از آن کلمه «بسعی» آمده است و در انتهای جمله ترکیب دعایی مانند جمله قبل به کار نرفته است. از کلمه «بسعی» در کتیبه آرامگاه عبدالله بن بریده نیز استفاده شده است. این آرامگاه در ۲۰ کیلومتری مرو در حدود سال ۵۰۰ هجری قمری ساخته شده است. در آرامگاه عبدالله ابن بریده (ح ۵۰۰ق) در متن کتیبه چنین آمده: «مما امر محمد بن ابی بکر السیفد نجی و بسعی محمد بن عبد الله الغانم تقبل الله من هما» ۴۲. بلر معتقد است که جایگاه هر دو بانی یکسان بوده است؛ چراکه دعای آخر کتیبه به هر دو نفر برمی‌گردد ۴۳. در کتیبه مناره فیروزآباد وضع متفاوت است و آمدن کلمه «بسعی» پیش از نام دوم نشان می‌دهد که ابی سعید علی بن الحسین سرپرست امور اجرایی یا مالی مناره بوده است.

این عبارت را بیشتر برای معرفی سرپرست و مباشر کار، به‌ویژه ناظر مالی می‌آورند. مناره مسجد جامع ساوه، به تاریخ ۵۰۴ هجری در روزگار محمد بن ملک‌شاه بسعی متولی مسجد برپا شد. «این عبارت تا دوره ایلخانان برای معرفی ناظران امور مالی کارهای ساختمانی به کار می‌رفت.» ۴۴

با توجه به اینکه این مناره فاقد تاریخ ساخت است، برای یافتن تاریخ حدودی ساخت آن، در وهله اول بر مبنای نوع تزیینات



ت ۱۱. الف)



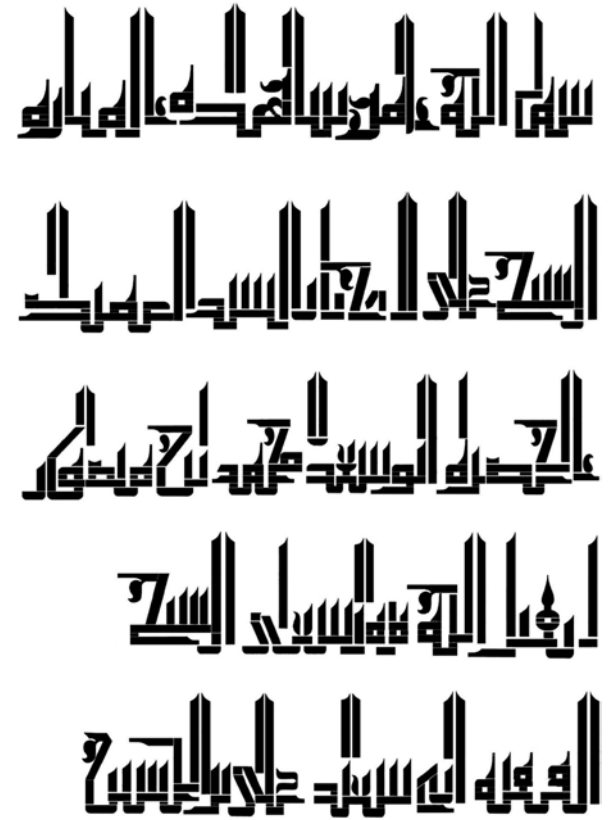
ت ۱۱. ب)



باین حال نویسنده کتاب شرح رجل الكنى و الألقاب وی را محمد بن منصور بن محمد معرفی می‌کند.^{۴۸}

«عمیدالملک کندی وزیر طغرل که سراسر قرن پنجم در ترشیز با این شخصیت عجیب است، حنفی متعصبی بود».^{۴۹} ابونصر محمد بن منصور بن محمد عمیدالملک الکندی الطوسی متولد سال ۴۱۰ق است، از پسوند او برمی‌آید که از اهالی کندر بوده است. کندر نام روستایی در نزدیکی بردسکن امروزی و ترشیز قدیم است. وی در دوره طغرل و به سال ۴۴۷ به وزارت منصوب می‌شود. همچنین وی امام الحرمین بوده است که بدین دلیل واژه شیخ می‌تواند برای او به کار برده شود، به این نشانه‌ها استفاده از لقب عمید در کتیبه مناره فیروزآباد را نیز می‌توان اضافه کرد. محمد بن منصور در ۴۵۶ق در نیشابور به قتل می‌رسد.^{۵۰} اگر او را بانی مناره فیروزآباد بدانیم، می‌توان تاریخ حدودی ساخت این مناره را به اواسط قرن پنجم هجری بین سال‌های ۴۴۷ تا ۴۵۶ق در بازه زمانی وزارت عمید الملک کندی در زمان حکومت سلاجقه در ایران نسبت داد. دومین فرد ابوسعید محمد بن منصور خوارزمی وزیر آلب ارسلان است. اقبال نام کامل او را چنین آورده است: «خواجه عماد الدین ابوسعید شرف الملک محمد بن منصور مستوفی خوارزمی از ایام سلطنت الب ارسلان در زیر دست خواجه نظام الملک سمت استیفا داشته و او از مشاهیر وزرای سلجوقی است».^{۵۱} وی از سال ۴۵۹ در زمان سلطنت الب ارسلان دارای منصب بوده و وفاتش در سال ۴۹۴ در اصفهان روی داده است.^{۵۲} می‌توان گفت که مناره فیروزآباد در نیمه دوم قرن پنجم ساخته شده است. به عقیده نگارندگان مقاله پیش رو در تاریخ‌گذاری این مناره نمی‌توان به دقت اعلام نظر کرد؛ چراکه هر دو نام به نام موجود بر روی مناره نزدیک هستند و هر کدام از دو نام می‌تواند باشد، در عین حال، با توجه به محل تولد و دفن محمد بن منصور کندی و همچنین لقب وی، که بر روی کتیبه بنا و تزیینات اجرکاری بنا نقش بسته است، احتمالاً بانی بنا عمیدالملک است. این مناره دارای کتیبه دیگری نیز هست که در قسمت‌های

به‌کاررفته در بنا می‌توان دوره سلجوقی را برای آن متصور شد. گام دیگر دیگر عنصر راهنمای ما در شناخت سال ساخت مناره خط کتیبه آن است. بلر این نوع خط را برگرفته از خطوط کوفی حاشیه‌نویسی غزنوی می‌داند.^{۴۶} گام دیگر خوانش کتیبه موجود در بنا و شناسایی افراد و حاکمانی است که دستور به ساخت بنا داده‌اند. در پژوهش‌های تاریخی که برای شناسایی بانیان این مناره انجام شده است، در بازه زمانی قرن پنجم دو شخص با نام محمد بن منصور وجود داشته‌اند. نخستین آن‌ها ابو نصر محمد بن منصور بن محمد عمیدالملک الکندی الطوسی وزیر طغرل است.^{۴۶} آشتیانی بر این باور است که مورخین نام او را به اشتباه محمد بن منصور آورده‌اند و نام او منصور بن محمد است.^{۴۷}



۴۴. همان، ص ۳۲۲.
 ۴۵. همو، «مدرسه زوزن: معماری اسلامی شرق ایران در آستانه حمله مغول»، ص ۷۷.
 ۴۶. زکی محمدحسن، هنر ایران در روزگار اسلامی، ص ۳۳۸.
 ۴۷. عباس آشتیانی، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ص ۴۲.
 ۴۸. شیخ عباس قمی، الکنی و الألقاب، ج ۲، ص ۴۸۶.
 ۴۹. خسروی، همان، ص ۳۴.
 ۵۰. همان جا؛ ابن اثیر، همان، جلد ۱۳، ص ۵۹۲۰.
 ۵۱. اقبال آشتیانی، همان، ص ۵۴.
 ۵۲. همان جا.
 ت ۱۲. متن بازسازی شده کتیبه مناره فیروزآباد، بازرسم: نگارندگان.

۴. نتیجه گیری

ساختمان مناره مخروطی است؛ که در دوره سلجوقی رواج بسیار دارد. برخلاف نظر کارشناسان میراث فرهنگی، این بنا را می‌توان به دوره سلجوقی نسبت داد. چیزی که از واژه‌های «شیخ» و «بسی» می‌توان استنباط کرد چنین است؛ چراکه این واژگان در این دوره تاریخی در کتیبه‌ها استفاده می‌شده‌اند. از دیگر سو، نقوش آجرکاری مورد استفاده در این مناره در ادامه دیگر بناهای سلجوقی است. مناره‌هایی مانند خسروگرد و کرات که در یک مسیر قرار دارند و همچنین نوع آجر تراش‌های به کار رفته در این بناها با یکدیگر بسیار شبیه است، همه این موارد نشان‌دهنده این مطلب است که این بنا در دوره سلجوقی ساخته شده است. از دیگر سو، می‌توان به خط استفاده‌شده در کتیبه نیز توجه کرد که خط پیشروتر و پیچیده‌تر از مناره ایاز و کمی کهن‌تر از کتیبه مناره خسروگرد است، به گفته بلر برگرفته از خط غزنوی است؛ لیکن محکم‌ترین نشانه‌ای که می‌توان بر اساس آن تاریخ ساخت این بنا را به‌طور دقیق تخمین زد، نام بانیان آن است، که با توجه به متن کتیبه و مباحثی که در ذیل بحث کتیبه‌ها بیان شد، بی‌شک این مناره در بازه زمانی وزارت عمید الملک کندی وزیر طغرل و محمد بن منصور وزیر الب ارسلان ساخته شده است؛ یعنی در بازه زمانی بین سال‌های ۴۴۷ق، زمانی که عمید الملک به وزارت رسید و ۴۹۴ق، وقتی که خواجه عماد الدین در اصفهان بدرود حیات گفت. بی‌شک این مناره در نیمه دوم قرن پنجم هجری ساخته شده است. درعین حال می‌توان گفت، با توجه به نام، تاریخ حیات، و محل ساخت مناره، به نظر می‌رسد که ابو نصر محمد بن منصور بن محمد عمیدالملک الکندی الطوسی وزیر طغرلبک همان نامی باشد که بر روی مناره آورده شده است. نقش آجرچینی قسمت فوقانی مناره بر این مدعا صحت می‌گذارد؛ چراکه در آن قسمت کلمه «عمید» در ترکیبی پیچیده ساخته شده است. این واژه لقب محمد بن منصور است که در متن کتیبه بنا و همچنین در

فوقانی مناره و به‌صورت عمودی در ابعاد ۴۰ سانتی‌متر در عرض و حدود ۱۳۰ سانتی‌متر در طول بر روی بدنه کار شده است (ت ۱۳). این کتیبه از بنا، که در دل آجرهای خفته و راسته کار شده است، نسبت به کتیبه دستور ساخت آسیب بیشتری دیده است. علی فرخی و امیر اکبری در مقاله خود درباره متن کتیبه بنا چنین آورده‌اند: «متن کتیبه آن را چنین می‌توان خواند: اشهدان الله لا اله الا الله بسم الله».^{۵۳} اسماعیلی در مقاله خود محتوای کتیبه را چنین نقل کرده است: «عمل سعید ابوجعفر البنا غفر الله له».^{۵۴} ارنست دیتز در گزارش خود در سال ۱۹۰۶ موفق به خوانش این کتیبه شده است. نگارندگان این متن در بازدید از بنا و تطبیق این کتیبه با آورده‌های دیگران به درستی نظر ارنست دیتز صحت می‌گذارند. متن کتیبه چنین است: «عمل سعید بن جعفر البنا غفر الله له».^{۵۵} متن کتیبه از پایین شروع شده و به سمت بالا حرکت می‌کند. تقریباً هیچ تزئیناتی در اجرای کتیبه استفاده نشده است. کتیبه در جایی از بنا قرار گرفته که به‌راحتی قابل تشخیص نیست و به خاطر نوع اجرا به‌سختی می‌توان آن را خواند.



۵۳. فرخی و اکبری، همان، ص ۱۱۹.

۵۴. اسماعیلی، همان.

55. Diez, ibid.

ت ۱۳. کتیبه دوم مناره فیروزآباد دربردارنده نام معمار، بازرسم: نگارندگان.



بنای عام‌المنفعه بسازد. با این توضیحات می‌توان گفت که مناره فیروزآباد در بین سال‌های ۴۴۷ تا ۴۵۶ق به دستور محمد بن منصور و به سعی علی بن الحسین و به دست سعید بن جعفر بر سر راه هرات و طبرس به نیشابور ساخته شده است. آجرکاری آن به‌نسبت مناره‌های پیشین دارای نقوش بیشتر و نسبت به مناره‌های بعد از خود دارای نقوش کمتر است. تاریخ ساخت این مناره را می‌توان بعد از مناره‌های ایاز و کرات و پیش از خسروگرد دانست. با این چهار مناره روند تغییرات در ظاهر و ساختمان مناره‌های خراسان را می‌توان دنبال کرد.

متن نسخ تاریخی آورده شده است. عمید الملک بیش از آنکه به نام خوانده شود، در اغلب موارد با این لقب شناخته می‌شود و از طرف دیگر، محمد بن منصور وزیر الب ارسلان را بیشتر به نام و کنیه‌های دیگری ضبط کرده‌اند و از واژه عمید برای وی استفاده نشده است؛ چنان‌که اقبال نام کامل وی را چنین بیان می‌کند: «خواجه عماد الدین ابوسعید شرف الملک محمد بن منصور». از طرف دیگر، کندر، که در ادامه نام عمید الملک آورده می‌شود، نام روستایی در نزدیکی مناره فیروزآباد است و عمید الملک از آنجا برخاسته است و دور از ذهن نمی‌نماید که در موطن خود

منابع و مأخذ

- آزاد، میترا و محمد خزائی. «بررسی مناره‌های سلجوقی و نقوش تزیینی آن‌ها»، در مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۲.
- آزاد، میترا. «بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی چهل دختران اصفهان، تاریخانه دامغان و مسجد جامع ساه»، در مطالعات معماری ایران، ش ۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، ص ۳۹-۵۶.
- ابن اثیر، عزالدین. تاریخ کامل (۱۳ جلد)، محمدحسین روحانی، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل. سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورت الارض)، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶.
- ابن فندق، علی ابن زید البیهقی. تاریخ بیهقی، گردآوری بهمن انصاری، ۱۳۶۱.
- ابوالفداء اسماعیل بن علی. تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹.
- اسماعیلی، مژگان. «منار فیروزآباد بردسکن»، در اثر، دوره ۳۶، ش ۷۱ (زمستان ۱۳۹۴)، ص ۳-۱۲.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن‌خان. مطلع الشمس، با مقدمه محمد پیمان، به خط احمد قاسملو، تهران: پیشگام، ۱۳۶۲.
- اقبال آشتیانی، عباس. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه و یحیی ذکا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- بالذری، ابوالحسن احمد بن یحیی. فتوح البلدان، به کوشش محمد توکل، تهران: نشر نقره، ۱۳۳۷.
- بلر، شیلا. «مدرسه زوزن: معماری اسلامی شرق ایران در آستانه حمله مغول»، ترجمه سعیده حسینی، در اثر، ش ۲۹ و ۳۰ (شهریور ۱۳۷۷)، ص ۸۹-۶۶.
- _____ . نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین، ترجمه مهدی گلچین عارفی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۴.
- بلر، شیلا و جاناتان بلوم. هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش، ۱۳۸۱.
- بلوم، جاناتان و دیگران. تجلی معنا در هنر اسلامی، ترجمه اکرم قیطاسی، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۳.
- جعفری، علی و فرشید جعفری و علی‌اصغر کجباف. «واکاوی اوضاع قهستان در قرن‌های سوم و چهارم هجری»، در تاریخ اسلام در آیین پژوهش، ش ۳۰ (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۳۳-۵۸.
- جوینی، علاءالدین عظاملک. تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، تهران: هرمس، ۱۳۸۷.
- جهانی، ابوالقاسم. اشکال العالم، ترجمه علی عبدالسلام کاتب، مشهد: به نشر، ۱۳۶۸.
- حداد عادل، غلامعلی. دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۶.
- حسن، زکی محمد. هنر ایران در روزگار اسلامی، ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، تهران: صدای معاصر، ۱۳۷۷.

- حسینی، احمد. تاریخ بردسکن: با نگاهی ویژه به ترسیز قدیم، سبزوار: امید مهر، ۱۳۸۳.
- حقیقت، عبدالرفیع. «کشمیر (کاشمیر) نخستین تجلیگاه مذهب زرتشت»، در گوهر، ش ۲۱ (۱۳۵۳).
- خزایی، محمد. «تأویل عرفانی نقش لا در فرهنگ و هنر اسلامی ایران و عثمانی»، در کتاب عرفان، پلی میان فرهنگ‌ها، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت «آنه ماری شیمل»، ۱۳۸۳.
- خسروی، محمدرضا. تاریخ کاشمیر، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
- خضری، احمدرضا. تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران: سمت، ۱۳۹۴.
- زارع شاهمرسی، پرویز. تاریخ خراسان، ترجمه رجب اوسلو، تبریز: اختر، ۱۳۹۵.
- زمانی، عباس. «منار و مناره تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، در هنر و مردم، ش ۱۲۱ (۱۳۵۱)، ص ۶۲-۷۷.
- طاهری، ابوالقاسم. جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان از دوره باستان تا آغاز عهد قاجار، تهران: انتشارات شواری مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۸.
- طباطبایی، صالح. دانشنامه هنر و معماری ایرانی بر اساس فرهنگ هنر گروو، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۱.
- عبدالله‌زاده ثانی، محمد. باستان‌شناسی و تاریخ میل خسروگرد، اداره میراث فرهنگی سبزوار، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۱.
- فاضل، محمود. «پیدایش مناره در اسلام»، در هنر و مردم، ش ۷۷ و ۷۸ (اسفند ۱۳۴۷ و فروردین ۱۳۴۸)، ص ۵۲-۵۶.
- فرجی، علی و امیر اکبری. «بررسی میل، مناره‌های خراسان با تأکید بر نقش Press, 1990.
- Diez, Ernst. *Churasanische Baudenkmalen*, Berlin: Reimer, 1918.
- The Minaret of Khusrawgird*, Posted by SquareKufic on 30 October 2017
www.wdl.org
- سازهای و محتوای کتیبه‌های آن‌ها»، در پژوهشنامه تاریخ، ش ۳۲ (۱۳۹۲).
- القمی، الشیخ عباس. الکنی و الألقاب، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۶۸.
- گدار، آندره و دیگران. آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- لسترنج، گی. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- نامعلوم. حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده. تهران: طهوری، ۱۳۶۲.
- مقدسی. محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: کوشش، ۱۳۸۵.
- موسی‌تبار، نجمه و احمد صالحی کاخکی. «بازنگری پلان و تزئینات مقبره ارسلان جاذب و میل ایاز در دوره غزنوی»، در هنر و تمدن شرق، ش ۹ (پاییز ۱۳۹۴)، ص ۱۱-۲۴.
- مولوی، عبد الحمید. آثار باستانی خراسان، جلد اول: آثار و ابنیه تاریخی جام نیشابور و سبزوار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی-۱۲۱، اداره کل فرهنگ و هنر خراسان، مشهد، ۱۳۵۴.
- نجفی، علی. «تحقیق پیرامون مناره (۱)»، در مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۷ (۱۳۸۱).
- هیل، درک و اولگ گرابار. معماری و تزئینات اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۶.
- هیلن‌براند، رابرت. معماری اسلامی شکل، کارکرد و معنی، ترجمه باقر آبت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه، ۱۳۸۹.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، به کوشش محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
- Blair, Sheila. *The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana*, New York: Leiden, 1992.
- Bloom, Jonathan M. *The Minaret*, Edinburgh University Press Ltd., 2013.
- _____. *The Minaret, Symbol of Faith & Power*, Saudi Aramco World, 2002.
- _____. *The Minaret, Symbol of Islam*, Oxford University